

# پدرم گفت او معتاد تفریحی است و به ازدواجمان رضایت داد

موسی برزین خلیفه لو - وکیل دادگستری



در یکی از روزهای سال 1389 وقتی که در سالن دادگستری یکی از شهرستان ها، در انتظار جلسه دادگاه بودم، یک پیرمرد همراه با یک خانم تقریباً 25 ساله ای به همراه یک کودک کنار من آمده و پرسیدند آیا شما وکیل هستید؟ گفتم بله و مشکلشان را پرسیده و به آنها وقت مشاوره دادم.

انها به دفتر بنده مراجعت کرده و واقعه را شرح دادند. پیرمرد که مردانی نام داشت، پدر آن خانم جوان و پسر بچه 5 ساله نیز فرزند آن خانم بود. ماجرا از این قرار بود که خانم مردانی در سال 1382 با یکی از اقوام پدری خود به نام "ابراهیم - ع" ازدواج می کند. ابراهیم قبل از ازدواج مواد مخدر مصرف می کرده، اما به گفته آقای مردانی ایشان معتاد نبوده و به صورت تفریحی اقدام به این کار می نموده است. آقای مردانی علی رغم وقوف به این مسئله دختر خود را به ازدواج با این مرد راضی می کند. هنگامی که بنده از آقای مردانی پرسیدم چرا با وجود اینکه می دانسته ابراهیم مواد مخدر مصرف می کند به ازدواج رضایت داده گفت: فامیل بود دیگر اگر دختر را نمی دادیم بد می شد. به هر حال خانم مردانی با ابراهیم ازدواج می کند. ابراهیم تعمیرکار موتور سیکلت بوده و وضعیت مالی مناسبی نیز نداشته است. پس از ازدواج بنا به گفته خانم مردانی ابراهیم مصرف مواد مخدر خود را ادامه داده و هر روز مقدار آن بیشتر می کرد. این امر باعث شده که ابراهیم نتواند مرتباً "سر کار برود و لذا مشکلات مالی نیز برای آنها به وجود آمده بود. پس از تولد فرزندشان ابراهیم باز هم به مصرف خود ادامه می داده است. خانم مردانی اظهار کرد که هر وقت به ابراهیم میگفتم که دست از این کارش بردارد او اهمیتی نمی داد و در صورت مشاجره نیز اقدام به ناسزا گفتن می کرد. وی می گفت که اوایل زندگی ابراهیم فقط بر سر من داد می کشید و ناسزا می گفت. اما رفته رفته خشونت های فیزیکی نیز از وی بروز کرد. به صورتی که من را با مشت و لگد یا کمر بند کتک میزد. خانم مردانی در پی این گونه مسایل مرتباً به خانه پدر خود می رفته و پس از چند روز با وساطت این و آن دوباره به خانه خود باز می گشت. رفته رفته میزان اعتیاد ابراهیم افزایش یافته و با این افزایش رفتار وی نسبت به همسر و فرزندانش نیز خشونت آمیزتر می شده است. در یکی از این خشونت ها ابراهیم که پول کافی برای تهیه مواد مخدر را نداشته، از همسرش می خواهد که گوشواره خود را به او بدهد. وقتی که خانم مردانی از دادن گوشواره امتناع می کند ابراهیم به وی حمله کرده و وی را به شدت مورد ضرب و جرح قرار داده و به زور گوشواره را از گوش خانم بیرون می کشد. در پی این عمل لاله گوش خانم پاره می شود. خانم مردانی موارد زیادی را از خشونت های همسرش بازگو نمود که بنده اکنون به خاطر نمی آورم. وی همچنین اظهار می داشت که خشونت های ابراهیم محدود به او نشده و فرزندانش را نیز در بر می گرفت به طوری که ابراهیم مرتباً فرزندانش را به بهانه های مختلف کتک می زده است.

به هر حال خانم مردانی دیگر تاب تحمل خشونت های همسرش را نسبت به خود و فرزندانش را نداشته و تصمیم به جدایی از وی گرفته بود.

بنده به عنوان یک وکیل دادگستری با این تصمیم خانم مردانی موافق بودم. به نظر بنده تنها راه پیش رو جدایی این خانم از همسرش بود زیرا از قراین پیدا بود که ابراهیم قصد ترک مواد مخدر را نداشته و از طرف دیگر خشونت های وی نیز غیر قابل تحمل به نظر می رسید. همچنین ادامه زندگی مشترک نیز قطعاً به تعبیر حقوقی توالی فاسدی را به دنبال خواهد داشت. چه بسا ممکن بود ادامه این خشونت ها موجب خسارات جسمی و روانی خطرناک و جبران ناپذیری شود. خشونت های ابراهیم قطعاً تاثیر بسیار منفی ای بر روی کودک نیز داشت و ممکن بود حیات وی را نیز به خطر بیندازد. چه بسیار دیده شده است که یک فرد معتاد به دلیل اختلال روانی حتی اقدام به قتل اعضای خانواده خود کرده است.

اولین توصیه بنده به خانم مرادی این بود که تا حل و فصل مسئله به خانه برنگشته و همچنین از ملاقات با وی بدون حضور شخص یا اشخاص دیگری خودداری کند. این توصیه را برای جلوگیری از خطرات اعمال خشونت از طرف ابراهیم بیان کردم.

وقتی از خانم مردانی پرسیدم که آیا نسبت به خشونت های اعمال شده علیه خود تمایل به اقامه دعوی کیفری است یا خیر جوابش منفی بود. خانم مردانی و پدرش بیان می کردند که شکایت کیفری فایده ندارد زیرا او یک فرد معتاد است و هر گونه حکمی وی را اصلاح نمی کند. از طرف دیگر آنها به قول خودشان، از دادگاه و پاسگاه خوششان نمی آمد و می گفتند حوصله و هزینه دوندگی برای شکایت کیفری را ندارند. خانم مرادی قصد داشت هر چه سریعتر از ابراهیم جدا شود. بدین ترتیب چند موضوع حقوقی در رابطه با جدایی باید در نظر گرفته می شد:

1. وضعیت مهریه و دیگر حقوق مالی خانم مرادی چگونه خواهد بود؟
2. در صورتی که ابراهیم حاضر به جدایی نمی شد با توجه به اینکه در قوانین ایران خانم به راحتی نمی تواند خواهان جدایی از همسر خود باشد، آیا خانم مرادی می تواند از ابراهیم طلاق بگیرد؟
3. وضعیت فرزند خانم مرادی چه می شد؟ حضانت فرزند و مخارج وی بر عهده چه کسی خواهد بود؟

در مورد موضوع اول قابل ذکر است که خانم مرادی می تواند در مورد اخذ مهریه و دیگر حقوق مالی همراه با دادخواست طلاق و یا جدا از آن اقامه دعوی کند. مهریه و نفقه و دیگر حقوق مالی پذیرفته شده در قانون، حق خانم بوده و می تواند پرداخت آن را تقاضا کند. لکن با توجه به اینکه در این مورد ابراهیم اموال یا درآمد چندانی نیز نداشت، به احتمال زیاد دادگاه رای به تقسیط مهریه با میزان کم می داد. به همین دلیل و همچنین دلایل دیگر شخصی خانم مرادی حاضر به گذشت از حقوق مالی خود بود.

در مورد موضوع دوم قابل ذکر است که زوجه بر اساس قوانین ایران حق طلاق ندارد و در صورتی می تواند از همسر خود جدا شود که یا وکالت در طلاق را داشته باشد، یا مشمول یکی از شرایطی شود که می تواند بر اساس آن تقاضای طلاق کند. اعتیاد زوج و ضرب و شتم زوجه توسط زوج، اگر به صورت تکرار باشد عسر و حرج بوده و از شرایطی است که زوجه می تواند تقاضای طلاق کند. مسئله خانم مرادی نیز مشمول این امر بود. گرچه در این صورت هم زمان زیادی لازم بود تا دادگاه حکم به طلاق دهد زیرا رویه قضایی ایران چندان تمایلی به صدور حکم طلاق به ویژه زمانی که زوجه خواهان آن است ندارد. بهترین روش جلب رضایت ابراهیم و راضی کردن وی به طلاق توافقی بود. به خصوص اینکه خانم مرادی از حقوق مالی خود صرف نظر کرده بود. لکن بنا به گفته های پدر خانم مرادی، ابراهیم راضی به جدایی نمی شد. به هر حال بنده پیشنهاد کردم که ابراهیم را مجاب به رضایت به طلاق کنند و در صورت عدم رضایت وی، از حقوق مالی خود به زودی گذشت نکند. به هر حال تقاضای این حقوق شاید می توانست وسیله ای شود برای فشار به ابراهیم تا به طلاق رضایت دهد.

در مورد موضوع سوم، بر اساس ماده ۹۶۱۱ قانون مدنی، «برای حضانت و نگهداری طفلی که پدر و مادر او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. «تبصره این ماده قانونی در تکمیل آن اضافه می کند:» بعد از هفت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می باشد.»

با توجه به اینکه فرزند خانم مرادی 5 ساله بود حضانت فرزند طبیعتاً "به مادرش واگذار می شد. همچنین پس از اینکه سن فرزند از 7 سال عبور می کرد، با توجه به اینکه ابراهیم معتاد بوده و سابقه خشونت علیه کودک خود را نیز داشت به احتمال زیاد به دلیل عدم صلاحیت ابراهیم، حضانت فرزند با استناد به ماده 1173 قانون مدنی به خانم مرادی واگذار می شد. بند 5 این ماده ضرب و جرح که نوعی از خشونت خانگی است را از موارد عدم صلاحیت اخلاقی دانسته است.

اما اینکه چه کسی مسئول خرج و مخارج و به عبارت حقوقی، نفقه کودک باشد قابل ذکر است که ولی قهری وی یعنی پدر مسئول تامین هزینه های کودک خواهد بود. در این مورد که ابراهیم توانایی مالی پرداخت نفقه اولاد خود را به خوبی نداشته و رفته رفته نیز این توانایی ضعیف تر می شد، جد پدری فرزند باید عهده دار نفقه شود و در صورتی که وی نیز فوت کرده یا توانایی مالی نداشته باشد خانم مرادی مسئول تامین هزینه های فرزند خواهد بود.

تمام این مسایل را بنده به آنان بیان کرده و با توجه به اینکه اقامه دعوی می بایست در شهرستانی انجام می شد که بنده با آنجا فاصله قابل توجهی داشتم وکالت را به یکی از همکارانم در آن شهرستان ارجاع دادم. تا جایی که بنده پیگیر موضوع بودم ابراهیم حاضر به جدایی نشده بود و همکار بنده به وکالت از خانم مرادی دادخواست صدور گواهی عدم امکان سازش و تقاضای مهریه تقدیم دادگاه نموده بود.